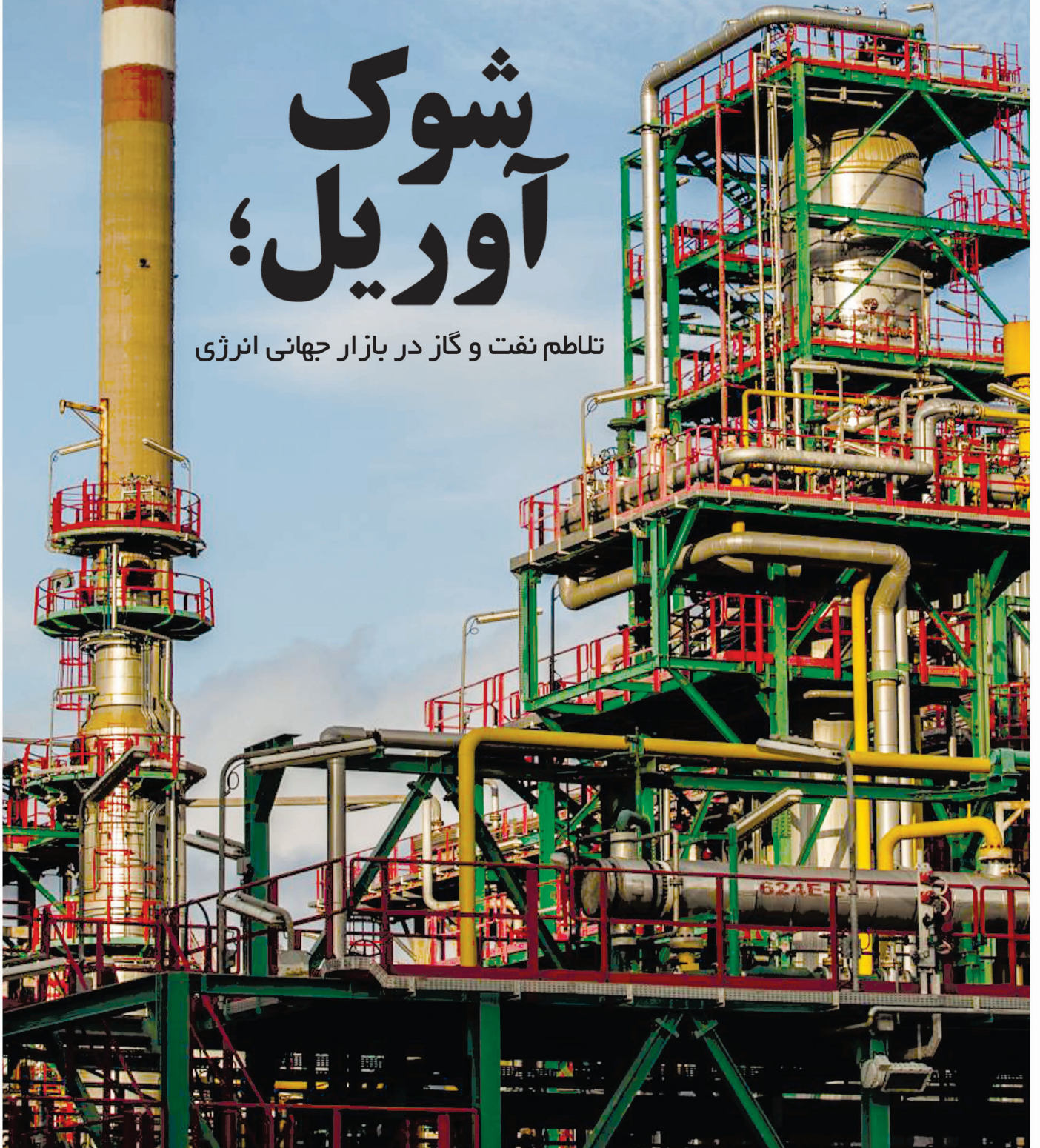


دیپلوماسی نفت Oil Diplomacy

ماہنامہ دو زبانہ (فارسی - انگلیسی) دورہ جدید / سال سوم / شماره ۳۱ / اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ / قیمت ۶۰ هزار تومان

شوگ اوریل؛

تلاطم نفت و گاز در بازار جهانی انرژی



دیپلماسی نفت Oil Diplomacy

ماهنامه دوزبانه (فارسی، انگلیسی)

دوره جدید سال سوم شماره ۲۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سمیه اسدی

سر دبیر: مجتبی عوض زاده

مدیر هنری: رضا دولت زاده صفحه آرایی: امیرحسین کوثری

عکس: سید حسن حسینی

چاپ: دیجیتال چاپخانه: آریا گرافیک تهران

تیراژ: ۵۰۰

آدرس:

تهران، میدان دوم صادقیه، بلوار آیت الله کاشانی، خیابان بوستان یکم، کوچه شهباز پور

پلاک ۳۰، واحد ۵

کد پستی: ۱۴۷۱۶۸۴۵۶۳

۳

یادداشت سردبیر:

روسیه و بازتعریف جهانی انرژی؛

مسیر پیش رو



۱۰

بازار جهانی انرژی در لرزش؛ روایت یک شوک خاموش



۷

بازآرایی بازارهای جهانی انرژی در گذار اقتصاد



۴

جنگ روسیه و اوکراین؛ بازترسیم نقشه انرژی جهان

روسیه و بازتعریف جهانی انرژی؛ مسیر پیش رو



جدی برای سایر بازیگران سنتی انرژی را به دنبال داشت. در این میان، ایران به عنوان کشوری با ظرفیت بالای نفت و گاز، با وجود فرصت‌های بالقوه، به دلیل تحریم‌ها و کمبود زیرساخت‌های صادراتی نتوانسته است به شکل مؤثر از شرایط جدید بهره‌برداری کند.

امروز که جهان وارد عصری نوین در حوزه انرژی شده، ضرورت دارد ایران با اصلاح سیاست‌های انرژی و بازتعریف دیپلماسی بین‌المللی خود، ضمن جذب سرمایه‌گذاری و ارتقاء زیرساخت‌ها، از این فرصت تاریخی برای تثبیت جایگاه راهبردی خود در بازار جهانی بهره‌مند شود. آینده ایران در بازار انرژی به توانایی آن در همسویی با روندهای جهانی، انعطاف‌پذیری و مدیریت هوشمندانه منابع بستگی دارد؛ امری که مجله دیپلماسی نفت همواره در پی تبیین و تقویت آن است.

جنگ روسیه و اوکراین از فوریه ۲۰۲۲ نه تنها یک درگیری نظامی، بلکه نقطه عطفی در بازتعریف بازار جهانی انرژی بود. روسیه که پیش از جنگ یکی از تأمین‌کنندگان اصلی نفت و گاز جهان به‌ویژه اروپا به شمار می‌رفت، با اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌ها، مجبور به تغییر جهت صادرات خود به بازارهای آسیایی شد. این تحولات، علاوه بر افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها، زنجیره تأمین انرژی در سطح جهان را دستخوش تغییرات عمیقی کرد و اهمیت استراتژیک انرژی را در روابط بین‌الملل به شدت افزایش داد. همزمان، کشورهای مصرف‌کننده انرژی به ویژه اروپا، در مواجهه با کاهش عرضه گاز روسیه، سیاست‌های متنوع‌سازی منابع و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را به اولویت خود تبدیل کردند. این تغییرات ساختاری در بازار انرژی، علاوه بر ایجاد فرصت‌های جدید برای برخی کشورها، تهدیدهای



جنگ روسیه و اوکراین؛ بازترسیم نقشه انرژی جهان

مواضع قاطع علیه کرملین محتاطانه عمل کند. اما با تداوم جنگ و بالا گرفتن تنش‌ها، کشورهای اروپایی ناگزیر به تجدید نظر در سیاست‌های انرژی خود شدند؛ تحریم واردات نفت و گاز روسیه، مسدود شدن پروژه‌های خط لوله چون «نورد استریم ۲» و افزایش واردات گاز طبیعی مایع (LNG) از آمریکا و قطر، تنها بخشی از واکنش‌های زنجیره‌ای به این بحران بودند.

روسیه یکی از بازیگران تعیین کننده در بازار جهانی انرژی است که نقش آن، هم در بازار نفت و هم در بازار گاز طبیعی، ابعاد راهبردی گسترده‌ای دارد. این کشور، با دارا بودن بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی جهان و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت خام، تأثیر مستقیمی بر توازن عرضه و تقاضای انرژی در جهان دارد. در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از حمله نظامی به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، روسیه نه تنها در محور تحولات ژئوپلیتیکی، بلکه در مرکز

با آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، معادلات بازار جهانی انرژی دستخوش تغییرات بی‌سابقه‌ای شد. این بحران نه تنها یک جنگ نظامی در قلب اروپا بود، بلکه به سرعت به یک بحران ژئوپلیتیکی و اقتصادی در سطح بین‌المللی تبدیل شد که بازارهای نفت و گاز را مستقیماً تحت تأثیر قرار داد. روسیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان انرژی جهان و اروپا به عنوان یکی از مصرف‌کنندگان اصلی گاز طبیعی روسیه، وارد مرحله‌ای از تقابل شدند که به اختلال در زنجیره عرضه و افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها انجامید.

روسیه؛ بازیگر محوری در بازار انرژی

روسیه پیش از جنگ، حدود ۱۰ درصد از نفت خام جهان و نزدیک به ۴۰ درصد از گاز مصرفی اروپا را تأمین می‌کرد. این وابستگی انرژی موجب شده بود که اروپا در اتخاذ

شوگ قیمتی در بازار نفت و گاز

تنش‌ها میان روسیه و اوکراین، بلافاصله به رشد سریع قیمت نفت و گاز انجامید. قیمت نفت خام برنت از حدود ۹۰ دلار در آغاز جنگ به بیش از ۱۳۰ دلار در مارس ۲۰۲۲ رسید. بازار گاز اروپا نیز با جهش‌های قیمتی مکرر مواجه شد و بهای گاز در بازارهای آتی اروپا چند برابر شد. این وضعیت، بحران انرژی بی‌سابقه‌ای در اروپا ایجاد کرد و کشورهایمانند آلمان، ایتالیا و فرانسه را به سمت جیره‌بندی انرژی، بازگشایی نیروگاه‌های زغال‌سنگ و سرمایه‌گذاری اضطراری در زیرساخت‌های واردات LNG سوق داد.

یکی از پیامدهای مهم جنگ، بازآرایی مسیرهای تجاری انرژی بود. روسیه پس از کاهش صادرات به اروپا، تلاش کرد بازارهای جایگزینی چون چین، هند و ترکیه را جایگزین کند. صادرات نفت روسیه با تخفیف‌های قابل توجه به این کشورها افزایش یافت و نقش چین و هند به‌عنوان پالایشگران کلیدی نفت روسیه پررنگ‌تر شد. در مقابل، آمریکا و اتحادیه اروپا فشار بر کشورهای خریدار نفت روسیه را افزایش دادند و سازوکار سقف قیمت را اعمال کردند تا درآمدهای نفتی روسیه را محدود کنند. از سوی دیگر، کشورهای صادرکننده نفت در خاورمیانه، به‌ویژه عربستان سعودی، از شرایط بهره‌برداری کردند تا با افزایش صادرات به اروپا، جای خالی روسیه را پر کنند. در همین حال، آمریکا نیز صادرات گاز طبیعی مایع خود را به سطح بی‌سابقه‌ای رساند و به بزرگ‌ترین صادرکننده LNG جهان تبدیل شد.

دیپلماسی انرژی؛ ابزار قدرت و نفوذ

بحران انرژی ناشی از جنگ روسیه و اوکراین، به‌وضوح نشان داد که انرژی نه‌فقط یک کالای اقتصادی، بلکه ابزاری ژئوپلیتیکی و راهبردی در رقابت‌های بین‌المللی است. روسیه از سلاح انرژی برای اعمال فشار بر اروپا استفاده کرد؛ کاهش یا قطع صادرات گاز به کشورهای خاص، یکی از ابزارهای چانه‌زنی کرملین بود. در مقابل، غرب نیز از طریق تحریم‌های مالی و فناوری، تلاش کرد توانمندی روسیه در تولید و صادرات انرژی را محدود کند.

این وضعیت موجب شد که دیپلماسی انرژی به یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی کشورهای کشورها تبدیل شود. سفرهای مقامات اروپایی به قطر، الجزایر و نیجریه برای تضمین تأمین گاز، یا مذاکرات دولت بایدن با ونزوئلا و عربستان برای کنترل قیمت نفت، مصادیق روشنی از نقش برجسته انرژی در روابط بین‌الملل پس از جنگ اوکراین هستند.

معادلات انرژی جهانی نیز قرار گرفته است. پیش از شروع جنگ، اروپا بزرگ‌ترین مشتری گاز روسیه بود و خط لوله‌هایی مانند نورد استریم ۱ نقشی حیاتی در تأمین انرژی کشورهای اروپایی ایفا می‌کرد. با آغاز جنگ و اعمال تحریم‌های شدید از سوی اتحادیه اروپا و ایالات متحده، واردات گاز روسیه به اروپا به‌طور چشمگیری کاهش یافت و در نتیجه، ساختار بازار گاز جهانی دچار تحول شد. اروپا برای پر کردن خلأ گاز روسیه به واردات LNG از کشورهای دیگر مانند آمریکا و قطر روی آورد، اما این اقدام با افزایش قیمت‌ها و بی‌ثباتی بازار همراه بود.

روسیه نیز در واکنش به این تحولات، تلاش کرد جهت صادرات انرژی خود را به سمت آسیا، به‌ویژه چین و هند، تغییر دهد. صادرات نفت اورال روسیه با تخفیف قابل توجه به این کشورها ادامه یافت و بخش بزرگی از بازار انرژی آسیا را به تدریج در اختیار گرفت. این تغییر جهت راهبردی، ضمن کاستن از اثر تحریم‌های غرب، روسیه را به‌عنوان بازیگری انعطاف‌پذیر در بازار انرژی معرفی کرد که می‌تواند با بازتعریف جغرافیای صادرات خود، فشارهای اقتصادی را تا حدی مدیریت کند. افزون بر این، روسیه در سازمان‌های بین‌المللی نظیر اوپک‌پلاس نقش مؤثری ایفا می‌کند. هماهنگی‌های نفتی میان روسیه و عربستان سعودی برای تنظیم سطح تولید، در سال‌های اخیر به ثبات نسبی قیمت نفت در بازار جهانی کمک کرده است. این همکاری‌های راهبردی باعث شده روسیه نه تنها به‌عنوان صادرکننده، بلکه به‌عنوان تنظیم‌گر قیمت‌ها نیز شناخته شود؛ نقشی که در دوران بی‌ثباتی بازار، اهمیت بیشتری می‌یابد.

با این حال، ادامه‌دار بودن جنگ اوکراین، فشار تحریم‌ها، محدودیت‌های بیمه‌ای و حمل‌ونقل، و همچنین رقابت با سایر عرضه‌کنندگان گاز و نفت، محدودیت‌هایی برای روسیه ایجاد کرده است. ولی این کشور با اتکا بر زیرساخت‌های گسترده انرژی، توان چانه‌زنی بالا، و روابط فنی و مالی با برخی کشورها، همچنان در معادلات انرژی جهان به‌عنوان یک قطب اثرگذار باقی مانده است. به‌طور کلی، روسیه اکنون در تقاطع سه مسیر قرار دارد: تقابل با غرب، پیوند با شرق، و نقش آفرینی در تنظیم بازار جهانی انرژی. نحوه عملکرد این کشور در ادامه جنگ، میزان تخفیف‌ها به خریداران آسیایی، همکاری با اوپک‌پلاس و تحولات داخلی در بخش انرژی، همگی عواملی هستند که در سال‌های پیش‌رو، جایگاه روسیه در بازار جهانی نفت و گاز را بازتعریف خواهند کرد.

تأثیرات بلندمدت بر سیاست‌های انرژی

یکی از پیامدهای راهبردی جنگ، تغییر نگرش بلندمدت کشورهای مصرف‌کننده نسبت به امنیت انرژی است. اروپا به این نتیجه رسید که وابستگی به یک تأمین‌کننده، ولو قابل اعتماد، می‌تواند تهدیدی راهبردی باشد. در نتیجه، تمرکز بر تنوع منابع، افزایش ذخایر استراتژیک و تسريع در انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر در دستور کار قرار گرفت. سرمایه‌گذاری در انرژی بادی، خورشیدی، هیدروژن و فناوری‌های ذخیره‌سازی انرژی افزایش یافت. همچنین رقابت برای زیرساخت‌های LNG و خطوط لوله جدید، به یک اولویت جهانی بدل شد. کشورهایی مانند آلمان با شتابی بی‌سابقه پایانه‌های شناور LNG ساختند و شرق مدیترانه، آفریقا و آمریکای لاتین نیز به عنوان منابع جایگزین گاز مطرح شدند.

ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

جنگ روسیه و اوکراین، هم تهدید و هم فرصت برای ایران محسوب می‌شود. از یک سو، روسیه با حضور قوی‌تر در بازارهای آسیایی، رقیبی جدی برای صادرات نفت ایران شده است. از سوی دیگر، بحران انرژی در اروپا می‌توانست

فرصتی طلایی برای ایران باشد تا با کاهش محدودیت‌های بین‌المللی، جایگاهی برای خود در بازار انرژی جهان باز کند. اما تداوم تحریم‌ها، عدم جذب سرمایه خارجی، و نبود زیرساخت‌های صادرات LNG، مانع از بهره‌برداری مؤثر ایران از این شرایط شد. ایران برای ورود جدی به رقابت انرژی جهانی، نیازمند احیای روابط بین‌المللی، بازنگری در سیاست‌های انرژی، و سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های نوین است؛ در غیر این صورت، فرصت‌های تاریخی از دست خواهند رفت.

جنگ روسیه و اوکراین، نه تنها توازن ژئوپلیتیکی جهان را تغییر داده، بلکه بازار انرژی را وارد عصر جدیدی کرده است؛ عصری که در آن امنیت انرژی، متنوع‌سازی منابع، و دیپلماسی انرژی نقشی تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری‌ها دارند. در این میان، کشورهایی که توانایی سازگاری سریع با تحولات، جذب سرمایه، و تقویت زیرساخت‌ها را داشته باشند، برنده‌های واقعی خواهند بود. برای ایران، این تحولات یک هشدار و یک فرصت است؛ هشدار برای اجتناب از انزوای فرصت برای بازگشت به جایگاه راهبردی در نقشه جهانی انرژی.



باز آرای بازارهای جهانی انرژی در گذار اقتصاد



وجه مشترک دارند: باز آرای نقش کشورها، باز تعریف زنجیره‌های تأمین، و دگرگونی الگوهای سرمایه‌گذاری. کشورهایی که تا دیروز در حاشیه معادلات اقتصاد جهانی قرار داشتند، اکنون با سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، فلزات نادر، فناوری اطلاعات، و مسیرهای حمل‌ونقل جایگزین، به قطب‌های جدیدی در حال تبدیل شدن هستند. در همین حال، نهادهای جهانی مانند سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و حتی اوپک با چالش مشروعیت و اثربخشی روبه‌رو هستند.

انرژی؛ میدان اصلی باز آرای ژئوپلیتیکی

در بازار انرژی، اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ شاهد افزایش دوباره قیمت نفت خام برنت تا حدود ۹۰ دلار در هر بشکه بودیم؛ که بخشی از آن به‌خاطر نگرانی از درگیری‌های خاورمیانه و بخشی دیگر به دلیل کاهش عرضه نفت روسیه و اختلال در صادرات گاز مایع از آمریکای شمالی بود. در این فضا، نقش عربستان سعودی و روسیه به‌عنوان بازیگران مدیریت‌کننده عرضه در قالب ائتلاف «اوپک پلاس» اهمیت یافت، اما

دیپلماسی نفت، گروه بین‌الملل | تحولات جهانی در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ به روشنی نشان داد که ساختار اقتصاد جهانی دیگر قابل بازگشت به شرایط پیش از کرونا یا حتی پیش از جنگ اوکراین و روسیه نیست. بازارهای جهانی اکنون با موجی از باز آرای مواجه شده‌اند که از یک‌سو ریشه در تنش‌های ژئوپلیتیکی دارد و از سوی دیگر حاصل تحولات فناوری، رقابت‌های اقتصادی جدید و تغییرات اقلیمی است. در این میان، بازیگران سنتی اقتصادی در تلاش برای حفظ نفوذ خود هستند و قدرت‌های نوظهور در پی بازتعریف قواعد بازی در نظام بین‌الملل.

تلاقی بحران‌های موازی

در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴، جهان با چند بحران موازی و درهم‌تنیده مواجه بود: ادامه جنگ فرسایشی در اوکراین، تشدید تنش‌های انرژی میان روسیه و غرب، بی‌ثباتی در خاورمیانه به‌ویژه در غزه، لبنان و عراق، نوسانات شدید در بازار نفت و فلزات کمیاب، و رقابت فزاینده آمریکا و چین در حوزه‌های ژئوپلیتیک و فناوری. این تحولات، یک

همزمان کشورهایی چون چین، هند و برزیل تلاش کردند با تنوع بخشی واردات انرژی، از میزان وابستگی خود به منابع ناپایدار بکاهند.

بازار گاز طبیعی نیز به شدت تحت تأثیر بود. صادرات LNG آمریکا به اروپا، به رغم حملات سایبری اخیر به زیرساخت های انرژی در تگزاس، ادامه یافت ولی با کاهش ظرفیت روبه رو شد. این امر باعث افزایش قیمت گاز در اروپا و فرصت بیشتر برای صادرکنندگان منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی شد.

زنجیره های تأمین: تنوع سازی، منطقه گرایی

یکی دیگر از روندهای غالب، تمرکززدایی از زنجیره های جهانی تأمین بود. شرکت های بزرگ چندملیتی که روزگاری به دنبال صرفه جویی از طریق تمرکز تولید در یک

محاسبات کوانتومی، و از سوی دیگر در تقابل غیرمستقیم با اروپا به دلیل سیاست های تجاری تهاجمی و مازاد صادراتی در صنعت خودروهای برقی. پاسخ چین، تشدید سیاست توسعه بازارهای جهانی از طریق «جاده ابریشم دیجیتال» و تقویت اتحاد های منطقه ای همچون سازمان همکاری شانگهای و بریکس پلاس بود. چین همچنین با افزایش واردات نفت و گاز از روسیه و ایران، تلاش کرد توازن جدیدی در تأمین انرژی ایجاد کند. گزارش های ماه می نشان داد واردات نفت چین از ایران به بالاترین میزان خود از سال ۲۰۱۸ رسیده و چین قصد دارد از تحریم های غرب به عنوان فرصت استفاده کند. در سال های اخیر، و به ویژه در بهار ۲۰۲۵، چین در مرکز تحولات نظم جهانی جدید قرار گرفته است. در مواجهه با این موقعیت، استراتژی امنیتی و اقتصادی پکن به سمت نوعی مهار دو گانه گرایش پیدا کرده که شامل:



۱. **مهار فشارهای غرب از طریق تنوع بخشی به تأمین انرژی**
چین می داند که وابستگی بیش از حد به منابع انرژی از خاورمیانه و روسیه می تواند به تهدیدی ژئوپلیتیکی تبدیل شود، به ویژه اگر غرب ابزارهایی مانند تحریم های ثانویه یا فشارهای امنیتی دریایی را فعال کند. بنابراین «سرمایه گذاری گسترده در پروژه های LNG از قطر، ایران و حتی آفریقا به یک راهبرد بلندمدت تبدیل شده است. پیشبرد سیاست ذخیره سازی راهبردی نفت و گاز برای مقابله با شوک های ناگهانی، اکنون یکی از ارکان سیاست انرژی چین است. حمایت از مسیرهای انرژی جایگزین نظیر پروژه های خطوط لوله آسیای مرکزی، و افزایش نفوذ در قطب شمال، به عنوان منابع جدید گاز طبیعی.»

۲. **مهار بی ثباتی های منطقه ای از طریق دیپلماسی چندلایه**
چین درک کرده که برای حفظ امنیت انرژی، باید در

یا دو کشور (مانند چین یا ویتنام) بودند، اکنون به سوی مدل های منطقه ای و بومی سازی زنجیره های تولید روی آورده اند.

در این راستا، مفهوم «دوستی سازی» (friend-shoring) در سیاست های صنعتی آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن برجسته تر شده است. بدین معنا که کشورها ترجیح می دهند با هم پیمانان ژئوپلیتیکی خود مبادله کنند تا ریسک وابستگی به رقبا کاهش یابد. در اردیبهشت ماه، هند و اتحادیه اروپا یک چارچوب جدید همکاری در حوزه ترانزیت نیمه رسانا و باتری های لیتیومی امضا کردند که نشانه ای از این رویکرد جدید بود.

چین و استراتژی مهار دو گانه

در این میان، چین با دو جبهه فشار مواجه شد: از یک سو در رقابت فناوریانه با آمریکا به ویژه در حوزه هوش مصنوعی و

بازآرایی در نظم اقتصادی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران

بازار جهانی در حال تغییر، برای ایران فرصت و تهدید توأمان به‌همراه دارد. از یک سو، تحریم‌ها و انزوای سیاسی می‌تواند دسترسی به بازارهای جدید را دشوار کند، اما از سوی دیگر، شکاف‌های بین‌المللی و بی‌ثباتی در زنجیره‌های تأمین ممکن است فرصت‌هایی برای صدور انرژی، کالاهای پتروشیمی، و حتی همکاری‌های منطقه‌ای فراهم کند. تلاش‌های ایران برای عضویت مؤثر در سازمان‌های منطقه‌ای مانند شانگهای یا همکاری با بریکس، در صورت داشتن برنامه‌ای منسجم و عمل‌گرایانه، می‌تواند مسیر تازه‌ای در بازتعریف جایگاه کشور در اقتصاد منطقه‌ای باز کند. همچنین، ظرفیت‌های صادرات گاز طبیعی ایران، به‌ویژه به پاکستان، هند و ترکیه، در صورت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و

نقش میانجی ژئوپلیتیک فعال ظاهر شود؛ نقش آفرینی در تنش‌زدایی میان ایران و عربستان، نه تنها به دلایل اقتصادی، بلکه برای جلوگیری از اختلال در جریان انرژی از تنگه هرمز، مذاکره و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نفتی و بندری پاکستان، سری‌لانکا، و تانزانیا در چارچوب «ابتکار کمربند و جاده» (BRI) که امکان کنترل شبکه‌های عرضه انرژی را در مقابل تهدیدات غرب فراهم می‌کند. حفظ روابط متوازن با روسیه در عین مدیریت حساسیت‌های جهانی نسبت به جنگ اوکراین؛ چین در حال حاضر واردکننده اصلی نفت تخفیف‌دار روسیه است، ولی در عرصه دیپلماسی، با احتیاطی حساب‌شده عمل می‌کند.

ترکیب این دو محور یعنی تنوع‌بخشی به تأمین انرژی و دیپلماسی پیشگیرانه منطقه‌ای منجر شده چین نه تنها در موقعیت مصرف‌کننده اصلی انرژی باقی بماند، بلکه به



کاهش ریسک سیاسی می‌تواند فعال شود. در حوزه پتروشیمی، ایران به‌واسطه دسترسی به خوراک ارزان گاز، هنوز مزیت رقابتی دارد. در پایان نتیجه می‌گیریم بازآرایی بازارهای جهانی در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ نه تنها روندی گذرا نیست، بلکه بخشی از یک تغییر پارادایم در سیاست و اقتصاد بین‌الملل به شمار می‌رود. شتاب گرفتن این روند در پی بحران‌های پی‌درپی، کشورها را ناگزیر از بازتعریف راهبردهای تجاری، مالی، فناوریانه و انرژی کرده است. برای ایران، درک این بازآرایی و اقدام متناسب با آن، کلید بقا و پیشرفت خواهد بود. نه انفعال در برابر تغییرات و نه اتکا به الگوهای گذشته، بلکه سیاست‌گذاری هوشمندانه، تعامل هدفمند با قدرت‌های نوظهور و بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی، می‌تواند ایران را از یک بازیگر محصور، به یک بازیگر مؤثر منطقه‌ای تبدیل کند.

تنظیم‌گر غیررسمی امنیت انرژی آسیا تبدیل شود. این نقش اگرچه فعلاً در سایه است، اما به‌شدت در حال تثبیت است.

نقش دلار و نبرد پولی پنهان

از دیگر تحولات مهم اردیبهشت‌ماه، افت نسبی قدرت دلار در مبادلات جهانی بود. اگرچه دلار همچنان ارز غالب است، اما حجم مبادلات با یوآن، درهم امارات، و حتی روبل روسیه در برخی مبادلات دوجانبه افزایش یافته است. تلاش برخی کشورها برای ایجاد سبد ارزی جایگزین دلار یا توسعه ارزهای دیجیتال ملی به‌وضوح در حال گسترش است. در این میان، عربستان سعودی در حال ارزیابی پایان سیاست دلار-محوری در صادرات نفت خود است؛ هرچند هنوز تصمیم رسمی اتخاذ نکرده، اما همین نشانه‌ها برای تحلیلگران بازار انرژی بسیار معنادار است.



بازار جهانی انرژی در لرزش؛ روایت یک شوک خاموش

همین حال، با نزدیک شدن به تابستان نیم کره شمالی، سطح تقاضای بنزین در آمریکا و اروپا افزایش یافت، بدون آنکه عرضه متناسبی در بازار فراهم شود.

در جبهه دیگر، جنگ فرسایشی میان روسیه و اوکراین در آوریل وارد مرحله‌ای تازه شد. حمله سنگین ارتش روسیه به بندر اودسا، که یکی از گلوگاه‌های صادرات گاز اوکراین و همچنین مسیر حیاتی ترانزیت غلات است، موجب نگرانی گسترده در بازار انرژی اروپا شد. برخی خطوط گاز در غرب اوکراین به صورت موقت از کار افتادند و ترس از تکرار زمستان ۲۰۲۲ در میان کشورهای اروپای شرقی دوباره زنده شد. هرچند سطح ذخایر گاز در اروپا در این ماه همچنان بالا بود، اما بازار بیش از واقعیت‌های فیزیکی، تحت تأثیر روانشناسی سیاسی و امنیتی قرار گرفت. بهای گاز طبیعی در بازار TTF هلند بیش از ۱۸ درصد افزایش یافت و در برخی قراردادهای آتی، قیمت حتی به مرز ۴۰ یورو به ازای هر مگاوات ساعت رسید.

در همین دوره، نقش چین نیز در بازآرایی عرضه و تقاضا پنهان نماند. چین که در سه ماهه اول ۲۰۲۵، مصرف نفت خود را به دلیل افت رشد صنعتی کمی کاهش داده بود، در آوریل مجدداً وارد فاز خریدهای سنگین شد. این افزایش

دیپلماسی نفت، مجتبی عوض‌زاده | آوریل ۲۰۲۵ را باید ماهی دانست که بازار جهانی انرژی با تکانه‌ای غیرمنتظره مواجه شد؛ تکانه‌ای که حاصل برهم‌نهی عوامل ژئوپلیتیکی، اقتصادی و اقلیمی بود. قیمت نفت خام در این ماه، با رشدی چشمگیر به بالای ۹۵ دلار در هر بشکه رسید و بازار گاز طبیعی نیز جهش‌هایی کم‌سابقه را تجربه کرد. این وضعیت باعث شد بسیاری از تحلیلگران و ناظران جهانی از بازگشت یک «دوره نوسانی پریسک» سخن بگویند؛ دوره‌ای که ویژگی اصلی آن، شکنندگی عرضه، رفتار سیاسی بازیگران و فقدان ظرفیت اضافه برای تعدیل ضربه‌های قیمتی است. در این ماه، دو مؤلفه اصلی بیش از دیگر عوامل در شکل‌گیری شوک قیمتی نقش ایفا کردند: نخست، تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه و شرق اروپا؛ دوم، کاهش ظرفیت تولید مازاد در میان اعضای کلیدی اوپک‌پلاس و اختلال‌های فنی در زنجیره LNG آسیا. در خاورمیانه، حملات پراکنده نیروهای نیابتی در یمن و عراق به زیرساخت‌های نفتی عربستان و کویت باعث شد سطح هشدار در بازار بالا برود. همزمان، تهدیدهای دریایی در تنگه باب‌المندب و نگرانی از امنیت ترابری نفت‌کش‌ها باعث شد هزینه بیمه محموله‌ها افزایش یافته و بار روانی بر بازار وارد شود. در

تقاضا، هم‌زمان با انتشار گزارش‌هایی مبنی بر کاهش صادرات نفت روسیه به آسیا، موجب شد توازن بازار به نفع فروشندگان برهم بخورد. پالایشگاه‌های چینی در این ماه حجم بی‌سابقه‌ای از نفت خام عربستان، عراق و امارات را خریداری کردند و حتی گفته شد که دولت پکن از ذخایر راهبردی خود نیز در سطح پایینی استفاده کرده است تا فضای مانور بیشتری برای واردات نفت با قیمت فعلی ایجاد کند. در کنار همه این عوامل، باید به متغیر آب‌وهوایی نیز اشاره کرد. در آوریل، سرمای غیرمنتظره در شمال شرق آسیا و بخشی از آمریکا باعث شد مصرف گاز برای گرمایش خانگی بالاتر از پیش‌بینی‌ها باشد. این در حالی بود که سطح تولید گاز مایع در برخی واحدهای قطری و استرالیایی به دلیل عملیات تعمیراتی موقتاً کاهش یافت. این مجموعه شرایط، بازار گاز مایع (LNG) را نیز وارد دوره‌ای از نوسان

این شرکت‌ها در سال‌های اخیر با دو چالش اساسی مواجه شده‌اند: فشارهای گسترده زیست‌محیطی و سیاسی برای کاهش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز، و همچنین افزایش پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی که ریسک فعالیت‌هایشان را بالا برده است.

در شرایط شوک آوریل ۲۰۲۵، این شرکت‌ها ضمن هشدار نسبت به ادامه این ناپایداری‌ها، اعلام کردند که بازار نفت و گاز به علت کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های جدید دچار کمبود ظرفیت مازاد شده است. این موضوع به‌ویژه در حوزه تولید نفت خام و گاز طبیعی مایع (LNG) شدیدتر است؛ زیرا در سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر سوق یافته و پروژه‌های نفتی و گازی در بسیاری از مناطق جهان به تعویق افتاده یا لغو شده‌اند. از دیدگاه این



کرد. قیمت LNG در بازارهای ژاپن - کره از متوسط ۱۰ دلار در هر MMBtu به حدود ۱۳ دلار رسید و قراردادهای جدید نیز با نرخ‌های بالاتری منعقد شد.

بازیگران بزرگ بازار انرژی، به‌ویژه شرکت‌های نفتی بین‌المللی و نهادهای حاکمیتی مانند آژانس بین‌المللی انرژی، نسبت به تداوم این وضعیت هشدار دادند. بازیگران بزرگ بازار انرژی، از جمله شرکت‌های نفتی چندملیتی نظیر شل، بی‌پی، توتال انرژی، اکسان موبیل و شورون، نقش کلیدی در ثبات و پایداری بازار نفت و گاز ایفا می‌کنند. این شرکت‌ها، به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان انرژی در جهان، به‌خوبی از پیامدهای شوک‌های قیمتی و نوسانات شدید بازار آگاه هستند و به همین دلیل با دقت بالا روندهای بازار را رصد می‌کنند.

شرکت‌ها، عدم تعادل میان عرضه و تقاضا در کوتاه‌مدت می‌تواند به نوسانات شدید قیمت منجر شود که نه تنها بر سودآوری شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه ثبات بازار و امنیت انرژی جهانی را به خطر می‌اندازد.

در کنار شرکت‌های نفتی، نهادهای حاکمیتی و نظارتی بین‌المللی نیز نقش حیاتی در مدیریت بازار دارند. آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) که متولی اصلی هماهنگی سیاست‌های انرژی کشورهای عضو OECD است، در گزارش‌های اخیر خود نسبت به تداوم شوک‌های قیمتی هشدار داده و بر ضرورت افزایش ظرفیت‌های تولیدی و ذخایر استراتژیک تأکید کرده است. آژانس بارصداً تحولات ژئوپلیتیکی، توصیه کرده کشورهای مصرف‌کننده باید برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای مقابله با ناپایداری‌های

عرضه داشته باشند و ضمن تشویق سرمایه گذاری در انرژی های پاک، باید تضمین کنند که عرضه نفت و گاز در کوتاه مدت با ثبات باقی بماند.

همچنین، IEA با همکاری سایر نهادهای بین المللی مانند اوپک و اوپک پلاس تلاش می کند از طریق مذاکرات دیپلماتیک و ایجاد مکانیسم های همکاری، تعادل بازار را حفظ کند. در شرایط فعلی، این آژانس ها بر اهمیت حفظ ذخایر راهبردی و توسعه زیرساخت های انرژی پایدار تأکید دارند. آنها هشدار می دهند که بدون همکاری جهانی و افزایش سرمایه گذاری در بخش های بالادستی نفت و گاز، بازار انرژی در برابر هر گونه بحران ژئوپلیتیکی آسیب پذیر خواهد ماند و این می تواند پیامدهای گسترده ای برای اقتصاد جهانی به همراه داشته باشد. در مجموع، شرکت های نفتی بین المللی و نهادهای حاکمیتی مثل IEA نقش های مکمل دارند؛ اولی با سرمایه گذاری و توسعه پروژه ها و دومی با سیاست گذاری، هماهنگی و پیش بینی بازار. این دو گروه، هر دو خواستار شفافیت بیشتر، همکاری جهانی و مدیریت هوشمندانه تر منابع انرژی هستند تا شوک های ناگهانی قیمت و اختلال های عرضه کاهش یابد و امنیت انرژی در سطح جهان تضمین شود.

برخی کارشناسان معتقدند که بازار نفت در حال ورود به یک «دوره شکننده از توازن موقت» است؛ توافقی که تنها با مداخله سیاسی و دیپلماتیک می توان آن را حفظ کرد.

مسئله نگران کننده دیگر، کاهش سطح سرمایه گذاری در پروژه های بالادستی نفت و گاز در بسیاری از کشورهای تولید کننده طی سال های اخیر است. عدم سرمایه گذاری به موقع، به معنای نبود ظرفیت مازاد در زمان های بحران است؛ موضوعی که آوریل ۲۰۲۵ را به آزمایشگاه این بحران بدل کرد. در تحلیل نهایی، باید گفت که شوک آوریل ۲۰۲۵ نه یک اتفاق موقت بلکه نشانه ای از «بازگشت ژئوپلیتیک به هسته سخت بازار انرژی» بود. اگرچه هنوز بسیاری از کشورها بر راهبردهای انرژی پاک و گذار به سمت سوخت های تجدیدپذیر تأکید دارند، اما واقعیت این است که بازار جهانی همچنان به شدت وابسته به نفت و گاز باقی مانده و هر گونه تکانه ژئوپلیتیکی، مانند آنچه در خاورمیانه و اروپا رخ داد، می تواند بلافاصله ساختار قیمت ها را تغییر دهد.

آوریل ۲۰۲۵ نشان داد که بازار انرژی جهانی همچنان فاقد آن «تاب آوری نهادی» است که بتواند در برابر تنش ها و تحولات ناگهانی ایستادگی کند. از این رو، انتظار می رود در ماه های آینده شاهد تلاش های هماهنگ تری از سوی اوپک پلاس، گروه هفت، و چین برای کاهش سطح التهاب باشیم. اما آیا این اقدامات برای پیشگیری از شوک های بعدی کافی خواهد بود؟ پاسخ این سؤال، بستگی به میزان هم پوشانی منافع قدرت های جهانی دارد؛ چیزی که در بازار انرژی، همواره کمتر از آن چیزی است که باید باشد.

